



اثر فصلنامه علمی فنی هنری ۷۹

زمستان ۱۳۹۶

شماره استاندارد بین المللی: ۱۶۴۷-۱۰۲۴

شماره استاندارد بین المللی الکترونیکی: ۴۱-۳۵-۲۲

درجه علمی: علمی ترویجی

صاحب امتیاز: پژوهشگاه سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری

مدیر مسئول: جلیل گلشن

سردبیر: مهناز اشرفی

هیئت دبیران (تحریریه): سیدمحسن حبیبی (استاد دانشگاه تهران)، سیدحسین بحرینی (استاد دانشگاه تهران)، فرهاد تهرانی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، محمدرحیم صراف (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)، مهرداد قیومی بیدهندی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی)، حمیده چوبک (دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی)، علی زمانی فرد (استادیار دانشگاه هنر تهران)، مهناز اشرفی (استادیار پژوهشگاه میراث فرهنگی).

مدیر اجرایی: محمدعلی مخلصی

مدیر داخلی و معاون سردبیر: ذات الله نیکزاد

ویراستار: عبدالله مؤذنزاده کلور

مترجم: شروین معظمی گودرزی

حروفچینی و صفحه آرایی: نوربخش

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشانی دبیرخانه: تهران، تقاطع خیابان امام خمینی (ره) و سی تیر،

روبه روی موزه ایران باستان، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، پلاک ۲،

پژوهشکده ابنیه و بافت‌های تاریخی فرهنگی

کد پستی: ۱۱۳۶۹۱۳۴۳۱

تلفن: ۶۰-۶۶۷۳۶۴۵۲ (داخلی ۳۴۴)

وبگاه: Journal.richt.ir/athar

پست الکترونیک: atharmiras@gmail.com

قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال

لیتوگرافی و چاپ: تندیس نقره‌ای

اسامی داوران این شماره:

مهناز اشرفی، علیرضا انبسی، علی صدراپی، بهروز عمرانی، مجید لباف‌خانیک، فتح‌الله نیازی، رضا نوروزی، ذات‌الله نیکزاد.

- نقل مطالب مجله/اثر با ذکر مأخذ آزاد است.

- نظر نویسندگان الزاماً نظر مجله نیست.

- این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) نمایه می‌شود.



-
- ۳ ■ پژوهشی درباره ساختار معماری بنای آرامگاهی خرّقه در فیروزآباد فارس
حسام‌الدین احمدی، فخرالدین محمدیان، خدیجه شریف‌کاظمی
- ۱۷ ■ بررسی فلزگری کهن در بخش میمه اصفهان، با تکیه بر پتروگرافی سرباره‌های فلزی
علی اعراب، سیدایرج بهشتی
- ۲۹ ■ بازنمایی قنات وقف‌آباد در منظر شهری سده‌های هشتم و چهاردهم هجری شمسی
علی اصغر سمسار یزدی، آمنه کریمیان
- ۴۷ ■ روش‌شناسی تعیین حریم جی باستان اصفهان
ذاکر عاملی
- ۶۱ ■ کرانه‌های جنوبی رود ارس در گذر زمان با نگاهی بر پاکنش فضایی و زمانی استقرارها
سپیده مازیار، علی زلّقی
- ۷۵ ■ بررسی و تحلیل برج مهمان‌دوست دامغان
نگار یوسفی
- ۸۹ ■ گزارش مقدماتی نخستین فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان قلعه‌گنج (بخش چاه‌دادخدا)
محمد مرتضایی، سلمان نجم‌افروز
- ۹۹ ■ تازه‌های کتاب و مجله کتابخانه پژوهشگاه میراث فرهنگی
معصومه ازقندی، ستاره اسحق تیموری

محمد مرتضایی

دانشیار پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری
m_mortezayi2008@yahoo.com

سلمان انجم روز

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۶

درآمد

قلعه‌گنج به‌عنوان یکی از نواحی شهری تازه‌تأسیس در جنوبی‌ترین نقطه استان کرمان، از حوزه‌های بررسی‌نشده‌ای به‌شمار می‌رود که انجام یک بررسی و شناسایی باستان‌شناسی در آن در ادامه بررسی‌های پیشین و همچنین تکمیل نقشه باستان‌شناسی کشور و استان ضرورت داشت. افزون بر این با تغییرات جدید در تقسیمات سیاسی اخیر در شهرستان‌های کهنوج و قلعه‌گنج که با گسترش طرح‌های عمرانی همراه است، ضرورت انجام این‌گونه بررسی‌ها در جهت شناسایی و ثبت آثار باستانی دوچندان شده است.

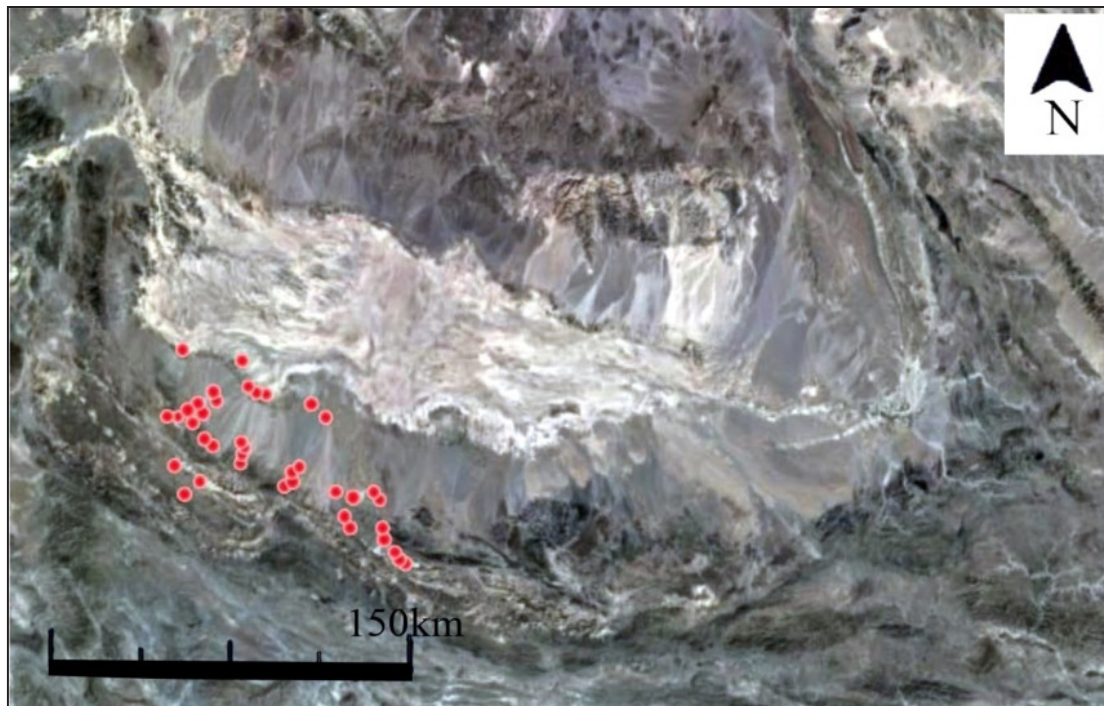
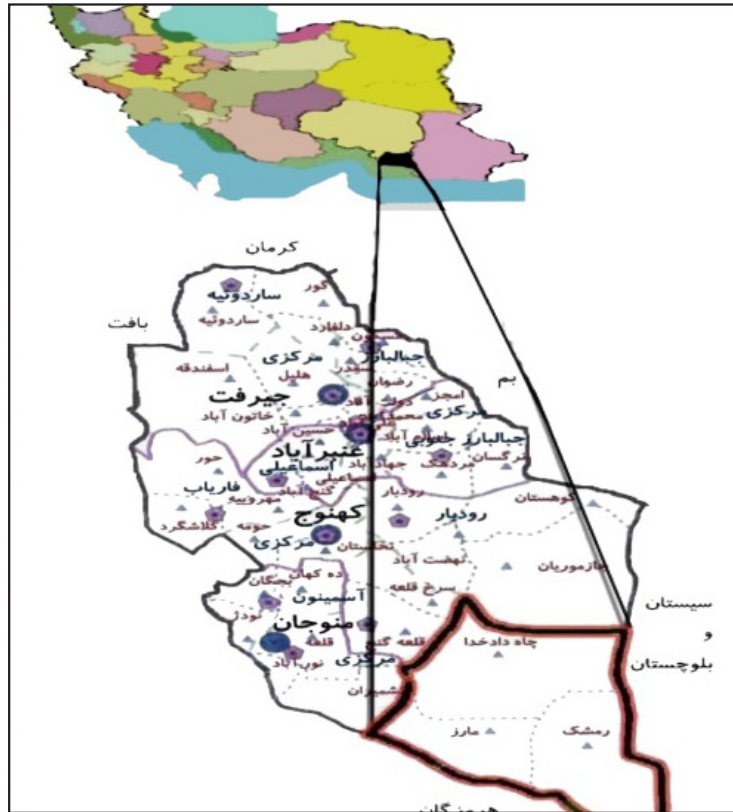
نخستین فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان قلعه‌گنج با مجوز شماره ۹۵۳۱۴۱/۰۰/۴۹۳۰ پژوهشکده باستان‌شناسی از ۱ آبان‌ماه تا ۱۵ آذرماه سال ۱۳۹۵ در بخش «چاه‌دادخدا» انجام شد (مرتضایی و انجم‌روز، ۱۳۹۶). گرچه بررسی انجام‌شده بیشتر در راستای تکمیل نقشه باستانی کشور و با هدف روشن ساختن پیشینه و وضعیت فرهنگی منطقه در دوران مختلف است، اما با توجه به موقعیت راهبردی این ناحیه، مبنی بر قرارگیری بین سه حوزه فرهنگی - جغرافیایی مهم جنوب شرق ایران (سواحل مکران و سواحل خلیج فارس و حوزه هلیل‌رود)، نتایج بررسی انجام‌شده می‌تواند راه‌گشای بسیاری از مسائل مطرح‌شده پیرامون ارتباطات فرهنگی این سه حوزه به‌شمار رود.

موقعیت منطقه بررسی‌شده

شهرستان قلعه‌گنج در جنوب شرق ایران، در ۴۰۰ کیلومتری جنوب مرکز استان کرمان و ۷۵ کیلومتری جنوب شرق شهرستان کهنوج قرار دارد. این شهرستان از دو بخش مرکزی و چاه‌دادخدا تشکیل شده است (تصویر ۱).

نخستین فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان قلعه‌گنج در محدوده جغرافیایی بخش چاه‌دادخدا انجام شد. این بخش در مختصات ۵۷ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۵۸ درجه و ۵۹ دقیقه طول شرقی و ۲۶ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۲۷ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. مساحت این بخش ۱۰۲۱۷/۴۹۸ کیلومتر مربع و پهنه‌اش دشتی و کوهستانی است. کوه‌های مارز (Mārz)، آورتین (Āvertin) و رمشک (Ramesh) در جنوب تالاب جازموریان ارتفاعات این ناحیه را تشکیل می‌دهند که از جهت جنوب به تدریج به کوه‌های مرتفع بشاگرد و میناب پیوند می‌خورند.

ارتفاعات یادشده بخشی از کمربند افیولیتی جازموریان یا مکران داخلی به‌شمار می‌رود که سن آن به کرتاسه فوقانی و ژوراسیک پسین می‌رسد (نک: شاکر اردکانی، ۱۳۸۸: ۲۲). بارزترین عارضه‌های زمین‌شناختی این ناحیه را دریاچه خشکیده جازموریان



تصویر ۱. موقعیت منطقه بررسی شده در نقشه تقسیمات کشوری و تصویر هوایی (مأخذ: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴).

و ارتفاعات یادشده در جنوب آن تشکیل می‌دهند که به زون زمین‌ساختاری مکران تعلق دارند (نک: آقناباتی، ۱۳۸۳: ۱۱۴-۱۱۶؛ چوپک و کیانی ۱۳۸۳: ۳۶).

بزرگترین منابع آبهای سطحی منطقه، رودخانه هلیل‌رود است که پس از عبور از دشت جیرفت و بلوک، دشت‌های پایین‌دست منطقه را به دو بخش دشت شرقی «رودبار» و دشت غربی «کهنوج و قلعه‌گنج» تقسیم می‌کند. رودخانه‌های دیگر این ناحیه که از نوع فصلی به شمار می‌روند عبارت‌اند از رودخانه کم‌سفید (Kamsefid) یا گریشک (Gerishak)، رودخانه تنگ سرداز (Sardaz)، رودخانه شب‌کوه و رودخانه تنگ سمسلی (Somsili). سرشاخه‌های این رودخانه‌ها را، رودهای کم‌سفید، تنگ گز (Tang-e Gaz)، مریج (Marij) و ملک شهر تشکیل می‌دهد که از کوه‌های میناب و بشاگرد سرچشمه می‌گیرند (سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴: ۲۱۸).

شرح عملیات میدانی

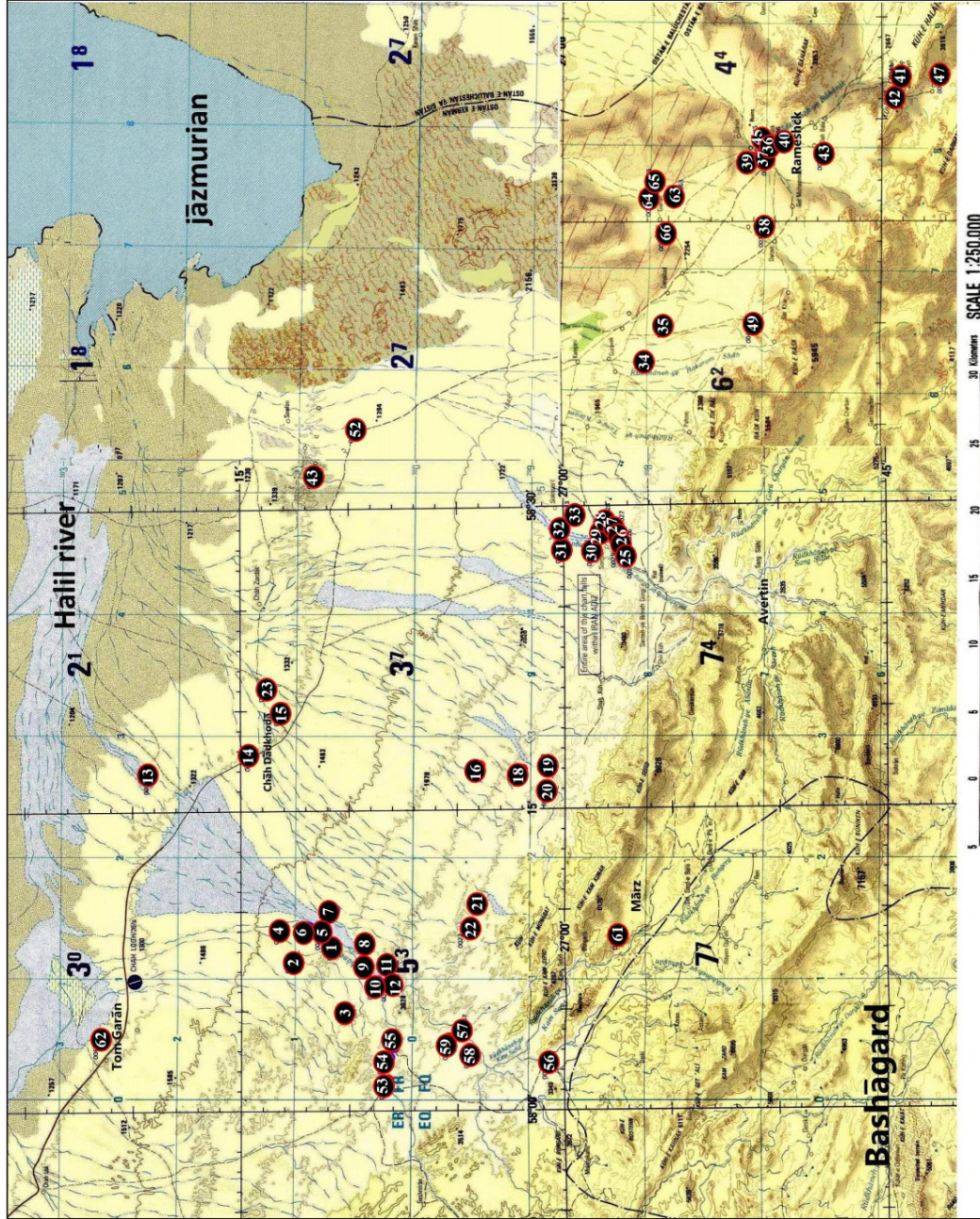
پژوهش انجام‌شده در چارچوب یک بررسی منطقه‌ای پهنانگر (Extensive) انجام شد. در مراحل نخست بررسی جهت دقت در شناسایی محوطه‌های باستانی از روش بررسی پیمایشی فشرده (Intensive) استفاده می‌شد اما در مراحل بعدی به تدریج پس از آشنا شدن و دست‌یابی به شناخت الگوهای نسبی محل قرارگیری محوطه‌ها، روش نخست به همراه مدد گرفتن از افراد بومی بیشتر به کار گرفته شد.

در طی بررسی انجام‌شده ۶۶ محوطه و اثر شناسایی شد که با توجه به موقعیت جغرافیایی آنها - که روند شکل‌گیری و نحوه گسترش محوطه‌ها کاملاً از آن متأثر است - در ۳ ناحیه متفاوت با ناحیه مورد بررسی قرار دارند: ۱- مناطق کوهپایه‌ای؛ جایی که ورودی تنگ‌ها و دره‌هایی محسوب می‌شود که رودهای فصلی یادشده از طریق آنها به دشت سرازیر می‌شود. شاخصه عمده محوطه‌ها در این ناحیه جغرافیایی، گسترش و توسعه آنها به پیروی از راستای بستر رودهاست که در برخی نمونه‌ها به بیشتر از ۳ کیلومتر نیز می‌رسد. لذا به علت پیوستگی زیاد بین شواهد معماری که در حاشیه رودهای فصلی پراکنده هستند، نمی‌توان حد و مرز دقیقی را برای تفکیک این محوطه‌ها در نظر گرفت. از این جهت برای تسهیل و افزایش دقت در نمونه‌برداری، گاهی از موانع صخره‌ای که حد فاصل شواهد معماری قرار دارند به عنوان مرز قراردادی بین دو محوطه استفاده شده است. بزرگترین محوطه‌ها از لحاظ وسعت، در این ناحیه قرار دارند که وسعت بزرگترین آنها مانند محوطه نهرندگان III، با وجود اینکه پیوستگی آن از محوطه‌های همجوار به دلیل طغیان‌های رودهای فصلی قطع شده است اما به وسیله

مرزهای قراردادی به بیش از ۱۱۷ هکتار می‌رسد. از لحاظ ژئومورفولوژیک بخش عمده محوطه‌های این بخش در رأس مخروط‌افکنه‌هایی قرار دارند که قائده آنها در مرکز دشت در تلاقی با بستر تالاب جازموریان و هلیل‌رود قرار دارد. ۲- ناحیه پست و هموار دشت مرکزی، این ناحیه بخشی از دشت به شمار می‌رود که امروزه بخش مرکزی چاه دادخدا و عمده روستاها و مزارع کشاورزی در آن قرار دارند. این منطقه از شمال در مجاورت هلیل‌رود و تالاب جازموریان قرار می‌گیرد. حد فاصل بین این ناحیه با تالاب جازموریان را بسترهای شنی و تپه ماسه‌های روان تشکیل می‌دهد. در ناحیه دشت سرعت جریان آبی که از کوهستان به تالاب جازموریان سرازیر می‌شوند به حداقل خود رسیده و بستر و مسیر رودهای فصلی به شکل شاخه‌های متعدد ناشی از جابه‌جایی‌های مکرر در طول زمان مشاهده می‌شوند. تمامی محوطه‌های باستانی شناسایی‌شده در این ناحیه از نوع تپه‌های باستانی هستند. ۳- نواحی و دره‌های میان‌کوهی که شامل دهستان‌های رمشک و مارز و آورتین می‌شود. در واقع این نواحی محل پیوستن سرشاخه‌های رودهای فصلی محسوب می‌شود که با عبور از مناطق کوهپایه‌ای و بستر دشت به تالاب جازموریان در شمال سرازیر می‌شوند. بر اساس بررسی انجام‌شده، در حد فاصل نواحی کوهپایه‌ای و دشت مرکزی هیچ‌گونه شواهدی از استقرارهای باستانی وجود ندارد.

محوطه‌های شناسایی‌شده بر مبنای ریخت‌شناسی و شکل زیستگاه‌ها، به ۸ گونه محوطه‌های ترکیبی وسیع با ساختار گورستان‌ها و بناهای کلان‌سنگی (۲۳ مورد)، گورستان‌های پشته‌سنگی دوران تاریخی (۸ مورد)، تپه‌های باستانی (۷ مورد)، محوطه‌های فلزگری (۸ مورد)، بناهای مذهبی دوران معاصر (۲ مورد)، قلعه‌ها (۲ مورد)، سنگ‌نگاره‌ها (۱ مورد) و محوطه‌های باستانی با دامنه مواد فرهنگی بسیار محدود (۶ مورد) تقسیم می‌شوند.

شاخصه عمده محوطه‌های ترکیبی وسیع که منحصراً در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی در کناره‌های رودهای فصلی وجود دارند، تلفیق عناصر کارکردی گوناگون مانند گورستان، بخش‌های استقرار و احتمالاً کشاورزی در یک محوطه واحد است. پیروی از عارضه‌های طبیعی جهت ایجاد فضاهای معماری در این گونه محوطه‌ها باعث پراکندگی و عدم تراکم بقایای سازه‌های معماری و در نتیجه وجود زمین‌های عاری از ماده فرهنگی در حد میانی آنها است که به صورت یکجا در قالب یک محوطه وسیع قابل مشاهده هستند. مساحت این محوطه‌ها بر اساس دامنه پراکندگی بقایای فضاهای معماری سنگ‌چین تعیین می‌شود که دربرگیرنده بیشینه ۲۰۰ هکتار و کمینه ۱۰ هکتار است.



تصویر ۲. موقعیت قرارگیری محوطه‌های شناسایی شده در نقشه توپوگرافی محدوده بررسی (مأخذ: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۴).



تصویر ۳ و ۴. گورستان‌ها و سکوه‌های سنگی، عنصر مشترک معماری محوطه‌های کوهستانی عصر مفرغ (مأخذ: نویسندگان).



تصویر ۵. نمونه‌ای از واحدهای معماری بزرگ با ساختار سنگ‌چین در یکی از محوطه‌های عصر مفرغ (محوطه میخ‌لادین) (مأخذ: نویسندگان).

به جز معدود مدارک احتمالی از تپه‌های باستانی واقع در ناحیه دشت، تمامی محوطه‌های شناسایی شده عصر مفرغ در حاشیه رودهای فصلی در مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی به صورت افقی گسترش یافته‌اند. از لحاظ ریخت‌شناسی و احتمالاً کارکرد، هر یک از این محوطه‌های کوهپایه‌ای و کوهستانی عصر مفرغ را می‌توان به بخش‌های مجزای گورستان‌های کوچک، حصارهای سنگچین و سازه‌های کلان‌سنگی و بخش‌های استقرار با شاخصه معماری سکوها‌های سنگ چین تفکیک کرد (تصویر ۳ - ۵). تداوم استفاده از این گونه شیوه‌ها و سبک‌های معماری (حصارهای سنگچین و سکوها‌های سنگی) به وفور در بخش‌های مسکونی و کشاورزی روستاهای ناحیه مورد بررسی دیده می‌شود. به استثنای ۴ مورد از تپه‌های واقع در دشت چاه دادخدا، بقیه محوطه‌های شناسایی شده دوران تاریخی گورستان‌های سنگ‌چین واقع در ارتفاعات هستند که در مجاورت برخی از آنها مدارک مرتبط با استقرارهای هم‌زمان نیز دیده می‌شود.

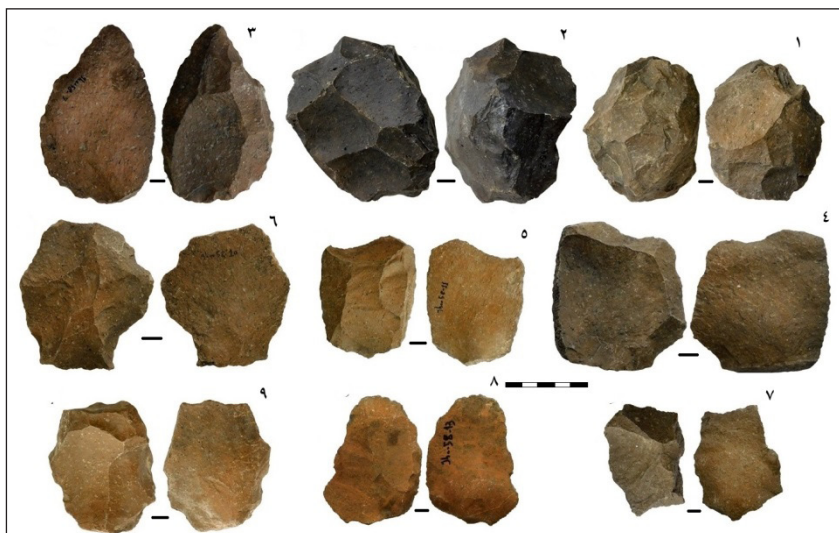
یافته‌ها

محوطه‌های شناسایی شده شواهدی از دوران پارینه‌سنگی (۳ مورد)، هزاره پنجم پیش از میلاد (۲ مورد)، هزاره چهارم پیش از میلاد (۱۰ مورد)، هزاره سوم پیش از میلاد (۲۷ مورد)، دوران تاریخی (۲۹ مورد)، دوران اسلامی (۳ مورد) و سده اخیر (۲ مورد) را در خود دارند. مدارک مرتبط با دوره پارینه‌سنگی در کناره‌های رودخانه کم‌سفید (گریشک) شامل دست‌افزارهای سنگی به‌دست‌آمده از دو محوطه «چزگک II^۱ (۰۰)» و «گریشک II^۲ (۰۵۸)» است که در محدوده‌های کم‌وسعتی در مجاورت یا میان محوطه‌های جدیدتر واقع

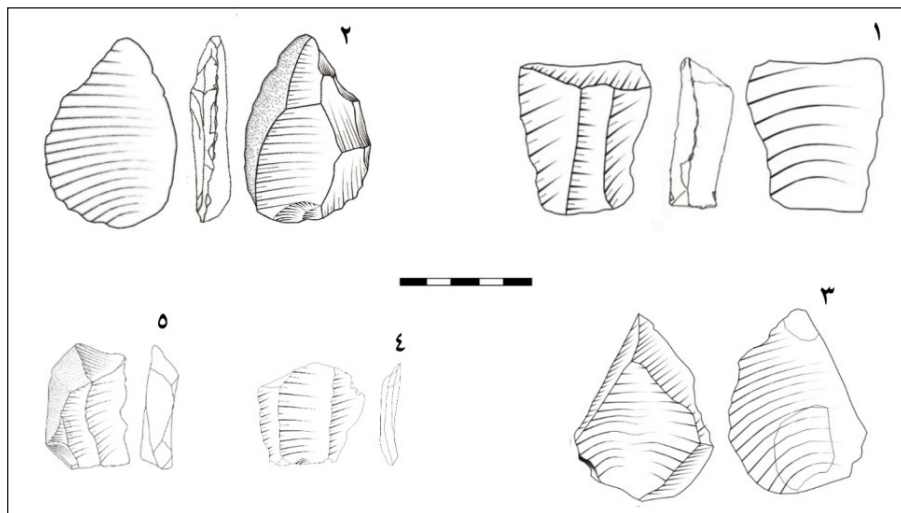
شده‌اند.

بررسی اولیه دست‌افزارهای سنگی به‌دست‌آمده از محوطه «چزگک II» نشان می‌دهد که این مجموعه دربرگیرنده دست‌افزارهای سنگی کاملاً کارشده و محصول نهایی روند کاهشی تولید ابزار هستند که در محدوده پراکنش آن‌ها هیچ‌گونه شواهدی از دیگر گونه‌های مرتبط با این روند مانند سنگ مادر و دوریزها مشاهده نشد. علی‌رغم این به سبب وجود ساخت‌وسازهای دوران متأخرتر در ناحیه یادشده، در خصوص این آمار نمی‌توان اظهار نظر دقیقی کرد. در میان این ابزارها گونه‌های تراشه‌های لوالوا و همچنین خراشنده‌های جانبی مشاهده می‌شود که از شاخصه‌های فناوری دوران پارینه‌سنگی میانی به شمار می‌روند.

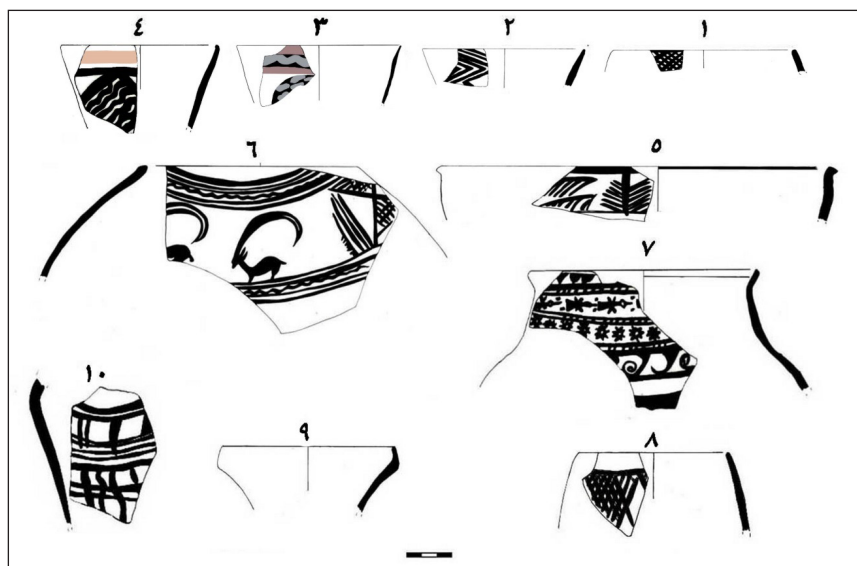
دست‌افزارهای سنگی به‌دست‌آمده از محوطه گریشک II شامل مجموعه گسترده‌تری از گونه‌های دست‌افزارهای سنگی شامل انواع سنگ‌های مادر، تیزه‌ها و تراشه‌های روتوش شده، انواع خراشنده‌ها و همچنین نمونه کوبنده سنگی برداشت تراشه است. حضور فناوری لوالوا و گونه‌های شاخص فرهنگ موسترین نشان‌دهنده یک استقرار با شاخصه‌های فرهنگی پارینه‌سنگی میانی در ناحیه یادشده است که تمامی مراحل تولید ابزار در خود آن صورت می‌گرفته است (تصویر ۶ و ۷). سفال‌های هزاره پنجم و چهارم پیش از میلاد در محدوده بررسی حاضر را عمدتاً گونه‌های سفالی موسوم به «یحیی Va»، «ابلیس IV» یا «سفال علی‌آباد» و «محوطه‌آباد I» تشکیل می‌دهد. از بین آثار شناسایی شده مدارک مربوط به یحیی Va شامل قطعات انگشت‌شمار سفال است که در



تصویر ۶. گزیده دست‌افزارهای سنگی به‌دست‌آمده از محوطه‌های پارینه‌سنگی میانی، گریشک II و چزگک II. ۱ و ۲: سنگ مادر چندوجهی؛ ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۹: تراشه لوالوا؛ ۸: خراشنده جانبی (مأخذ: نویسندگان).



تصویر ۷. طرح گزیده دست‌افزارهای سنگی به‌دست‌آمده از محوطه‌های پارینه‌سنگی، گریشک II و چرگک II.
۱: خراشنده انتهای روی تراشه ضخیم؛ ۲، ۳، و ۵: تراشه لوالوا؛ ۴: تراشه (مأخذ: نویسندگان).



تصویر ۸. طرح گزیده سفال‌های (هزاره پنجم پیش از میلاد تا دوران ساسانی)،
به‌دست‌آمده از نخستین فصل بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان قلعه‌گنج (مأخذ: نویسندگان).

واقع در ارتفاعات، مدارک هزاره چهارم پیش از میلاد مرتبط با استقرارها و یک مورد گورستان در ابعاد کوچک هستند که در دل یا مجاورت استقرارهای عصر مفرغ قرار دارند. تاریخ‌گذاری‌های پیشنهادی که از سوی باستان‌شناسان برای سفال‌های علی‌آباد در نظر گرفته شده است، عمدتاً محدوده زمانی اواسط تا اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم پیش از میلاد را در بر می‌گیرد (نک: اسکندری و همکاران، ۱۳۹۵: ۸).

دو ناحیه از مناطق کوهپایه‌ای و کوهستانی در کنار مواد فرهنگی ادوار جدیدتر به دست آمد (تصویر ۸ و جدول ۱؛ طرح شماره ۱ و ۲). سفال یحیی Va در تپه یحیی با شاخصه نقوش مشکی بر زمینه قرمز از گونه‌های مشابه آن‌ها در لایه‌های پایین‌تر تفکیک می‌شود (کارلووسکی و بیل، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۲۱).

سفال‌های علی‌آباد در ۱۰ محوطه شامل تپه‌ها (۲ مورد) و محوطه‌های ترکیبی (۸ مورد) به دست آمدند. در محوطه‌های

علی‌رغم اینکه عمده شواهد سفالی به‌دست‌آمده از محوطه‌های هزاره چهارم پیش از میلاد، معرف فرهنگ علی‌آباد هستند اما در مجموعه سفال‌هایی که از «تپه توریگ (۰۵۲)» به دست آمده است، نقش‌مایه‌هایی مشاهده می‌شود [که] دارای شباهت زیادی به گونه موسوم به سفال محوطه‌آباد I در جیرفت هستند (تصویر ۸ و جدول ۱؛ طرح ۳ و ۴).

سفال محوطه‌آباد I با شاخصه رنگمایه و زمینه ایجاد نقوش از گونه‌های مشابه خود از مراحل بالاتر (محوطه‌آباد II یا علی‌آباد آغازین) تفکیک می‌شود. بنا بر اعتقاد کاوشگران محوطه‌آباد، فن و نقش‌مایه به‌کاررفته در تزئین این سفال همان روش به‌کاررفته در تزئین سفال‌های نوع علی‌آباد آغازین است با این تفاوت که در این فرهنگ سفالی از رنگ‌مایه سفید بر زمینه قرمز یا قهوه‌ای استفاده شده است؛ شاخصه‌ای که در سفال‌های شناخته‌شده از تل ابلیس مشاهده نمی‌شود. تاریخ‌گذاری‌های مطلق [آثار] به‌دست‌آمده از محوطه‌آباد، قدمت دوره I آن را به اواخر هزاره پنجم تا اواسط هزاره چهارم پیش از میلاد می‌رساند (Vidale & Desset, 2013: 247 & 248).

بخش عمده مواد فرهنگی به‌دست‌آمده از محوطه‌های عصر مفرغ شامل قطعات سفالی است که در مجاورت گورهای غارت‌شده عصر مفرغ پراکنده شده‌اند و بخش دیگر دربرگیرنده سفال‌های به‌دست‌آمده از محدوده فضاهای معماری است که می‌توان آن‌ها را مرتبط با استقرارهای هم‌دوره گورستان‌ها دانست. این مواد فرهنگی شامل سفال‌های هم‌دوره گورستان‌ها با سطح خشن و فرسایش‌یافته، سفال‌های کارشده یا نمادکالاها و همچنین قطعات سفالی است که در آن‌ها حفره‌ای جهت وصالی و استفاده مجدد وجود دارد. نقوش به‌کاررفته در سفال‌های محوطه‌های یادشده به عنوان اساسی‌ترین شاخصه به‌کاررفته شده در گاهنگاری نسبی آن‌ها نشان‌دهنده پیوندهای فرهنگی این ناحیه با نواحی شمالی و شرقی جازموریان است. این اشتراکات دربرگیرنده تکرار نقش‌مایه‌های عصر مفرغ در سفال‌های این ناحیه است که در دوره‌های مختلف عصر مفرغ در هر دو تپه یحیی و بمپور و یا منحصرأ در یکی از آن‌ها نیز دیده می‌شود (تصویر ۸ و جدول ۱؛ طرح ۵ و ۶).

به استثنای ۴ مورد از تپه‌های واقع در دشت چاه دادخدا، بقیه محوطه‌های شناسایی‌شده دوران تاریخی بررسی قلعه گنج شامل گورستان‌های نواحی کوهپایه‌ای و کوهستانی است که در مجاورت برخی آن‌ها مدارک مربوط با استقرارهای هم‌زمان نیز دیده می‌شود. از لحاظ گاهنگاری سفال‌های به‌دست‌آمده که عمدتاً از گونه‌های شاخص جنوب شرق ایران به شمار می‌روند، مربوط به محدوده زمانی دوره

هخامنشی تا ساسانی است.

وجود سفال گونه «لوندو» که از تپه‌های باستانی واقع در دشت و همچنین گورستان‌های نواحی کوهستانی به دست آمده است، نشان‌دهنده تعلق بخشی از محوطه‌های دوران تاریخی این دوره دست‌کم به دوران فراهخامنشی تا اشکانی است (تصویر ۸ و جدول ۱؛ طرح ۷). این گونه سفال نخستین‌بار در نواحی غربی پاکستان شناسایی شد و تاریخ آن سده سوم تا دوم پیش از میلاد حدس زده شد (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۴۴). ارنی هرینک این سفال را متعلق به منطقه جنوب شرق ایران و بلوچستان می‌داند (هرینک، ۱۳۷۶: ۲۹۹) اما پژوهش‌های جدید دامنه حضور این سفال را در مناطق شرقی ایران نیز نشان می‌دهد (فرجامی، ۱۳۹۲). سفال دیگر منتسب به دوران تاریخی گونه نمرد است (تصویر ۸ و جدول ۱؛ طرح ۱۰) که در بررسی حاضر منحصراً از تپه‌ها به دست آمد و می‌توان آن را جدیدتر از سفال لوندو به شمار آورد، وجود گونه یادشده نشان‌دهنده تداوم استقرارهای دوران تاریخی این ناحیه تا دوران ساسانی است (نک: سیدسجادی، ۱۳۷۰).

برآیند

یکی از عارضه‌های طبیعی که با توجه به تصاویر هوایی ناحیه مورد بررسی نیز به‌وضوح قابل مشاهده است، مخروط‌افکنه‌هایی هستند که از محل باز شدن تنگه‌ها به سمت دشت تا بخش مرکزی دشت؛ در مجاورت هلیل‌رود و تالاب جازموریان امتداد دارند. نگاهی به نحوه پراکندگی محوطه‌های شناسایی‌شده با توجه به این عارضه طبیعی نشان می‌دهد که محوطه‌های باستانی در دو ناحیه رأس و قائده مخروط‌افکنه‌ها قرار گرفته‌اند و در حد میانی این دو ناحیه هیچ‌گونه اثر فرهنگی شناسایی نشد. به استثنای استقرارهای کنونی، چنین وضعیتی را برای تمامی دوران پیش‌ازتاریخی و تاریخی می‌توان در نظر گرفت.

الگوی پراکندگی یادشده تابعی از جهت و مسیر رودهای فصلی است که از ارتفاعات شمالی خلیج فارس سرچشمه گرفته و به تالاب جازموریان منتهی می‌شوند. با وجود اینکه مرزهای مصوب جهت انجام بررسی، اجازه پیگیری و شناسایی و امتداد محوطه‌ها در خارج از محدوده بررسی (به سمت سواحل شمالی خلیج فارس) را نمی‌داد، اما بررسی‌های باستان‌شناسی انجام‌شده در ناحیه سردشت بشاگرد در ارتفاعات شمالی کرانه‌های خلیج فارس حاکی از وجود محوطه‌های عصر مفرغ در ناحیه یادشده است (نک: پودات، ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۱).

از این جهت ظهور، توسعه و پیوستگی استقرارهای عصر مفرغ در کناره‌های تنگه‌ها و رودهای فصلی‌ای که از

کوهپایه‌های شمالی جازموریان تا ارتفاعات شمالی خلیج فارس امتداد دارد، می‌تواند بیانگر اهمیت راهبردی این نواحی به عنوان پل ارتباطی بین پس کرانه‌های خلیج فارس با دیگر فرهنگ‌های مجاور در حوزه جازموریان باشد. گونه‌شناختی و گاهنگاری کلیه محوطه‌های شناسایی شده

در بررسی حاضر با ملاحظه کمیت و گستره مواد فرهنگی، حاکی از مستعد بودن کناره‌های رودهای فصلی امروزی جهت برپایی و توسعه استقرارها دوران تاریخی و هزاره سوم پیش از میلاد است.

جدول ۱. مشخصات گزیده سفال‌های به‌دست‌آمده از نخستین فصل بررسی و شناسایی باستانشناسی شهرستان قلعه‌گنج.

شماره	محوطه	توصیف	مقایسات	دوره پیشنهادی
۱	۰۲۵	لبه، رنگ خمیره قرمز، رنگ پوشش بیرونی قرمز، رنگ پوشش داخلی قرمز، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، دست‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	لمبرگ کارلوسکی و بیل، ۱۳۸۸: ۱۱۹، طرح ز.	هزاره پنجم پیش از میلاد (بحی va)
۲	۰۵۸	لبه، رنگ خمیره قرمز، رنگ پوشش بیرونی قرمز، رنگ پوشش داخلی قرمز، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	لمبرگ کارلوسکی و بیل، ۱۳۸۸: ۱۱۹، طرح گ.	هزاره پنجم پیش از میلاد (بحی va)
۳	۰۵۲	لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سفید بر زمینه قهوه‌ای، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	Vidale and Desset 2013 : Page 242, figure 13.8, Page 243, Figure 13.12.	هزاره پنجم پیش از میلاد (محوطه‌آباد ا)
۴	۰۵۲	لبه، رنگ خمیره نخودی، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی با رنگ سیاه، دست‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	Caldwell 1967 : Page 140, Figure23, NO : 3.	هزاره پیش از میلاد (علی‌آباد)
۵	۰۰۴	لبه، رنگ خمیره خاکستری، رنگ پوشش بیرونی خاکستری، رنگ پوشش داخلی خاکستری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین هندسی - گیاهی با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	Lamberg-Karlovsky and Potts, 2001 : Page 188, no : B.	هزاره سوم پیش از میلاد
۶	۰۵۴	لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، تزئین جانوری (ردیف بز کوهی) با رنگ سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	Decardi, 1970 : page 298, no:22, page 311, no : 387, page 283, no : 92. Madjizdazeh, 2008 : page 91, fig 22.	هزاره سوم پیش از میلاد
۷	۰۲۳	لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، منقوش با رنگ مایه سیاه و قرمز، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	دانا و دیگران، ۱۳۹۵: ۶۲، تصویر ۷.	فراخامنشی
۸	۰۲۴	لبه، رنگ خمیره نخودی، رنگ پوشش بیرونی نخودی، رنگ پوشش داخلی نخودی، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، منقوش با رنگ‌مایه سیاه، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	مهرآفرین و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹، طرح ۹.	هخامنشی
۹	۰۲۴	لبه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی آجری، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، ساده، چرخ‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی		اشکانی
۱۰	۰۶۲	بدنه، رنگ خمیره آجری، رنگ پوشش بیرونی قرمز، رنگ پوشش داخلی آجری، آمیزه ماسه، ضخامت متوسط، منقوش با رنگ‌مایه سیاه، دست‌ساز، پوشش داخلی و خارجی رقیق، پخت کافی	Lamberg-Karlovsky, 1970 : 10, Figure 4. سیدسجادی، ۱۳۷۰: ۴۳، شکل ۹.	ساسانی

با توجه به کمبود پژوهش‌های مرتبط با دوران پارینه‌سنگی در جنوب شرق ایران (نک: بیگلری، ۱۳۹۱؛ Vahdati Nasab, 2011؛ Conard et al, 2013)، کشف مدارک دوران یادشده در بررسی حاضر بسیار حائز اهمیت است. علی‌رغم اینکه بررسی با هدف شناسایی آثار پارینه‌سنگی، روش‌های جداگانه خود را می‌طلبند اما شناسایی مدارک دوران پارینه‌سنگی میانی در بررسی حاضر نقطه آغازینی در تداوم پژوهش‌های از این دست در محدوده مورد بررسی و همچنین جنوب شرق ایران به شمار می‌رود و به عنوان یک مطالعه مقدماتی، دستکم پتانسیل‌های قوی ناحیه مورد بررسی را جهت تداوم تحقیقات پارینه‌سنگی نشان می‌دهند.

پانوشتها

1. Chezgak
2. Gerishak

منابع

- فرجامی، محمد. (۱۳۹۲). «گسترش سفال لوندو در محدوده خراسان جنوبی». در مجموعه مقالات نخستین همایش ملی باستان‌شناسی ایران. به کوشش حسن هاشمی زرج‌آباد. بیرجند: دانشگاه بیرجند. کتاب الکترونیک.
- لمبرگ کارلووسکی، سی. سی و توماس بیل وایت. (۱۳۸۸). آغاز و شکوفایی فرهنگ و تمدن در جنوب شرقی ایران. ترجمه غلامعلی شاملو. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، اداره کل روابط عمومی، امور فرهنگی و اجتماعی - اداره برنامه‌ریزی و نشر.
- مرتضایی، محمد و سلمان انجم روز. (۱۳۹۶). گزارش نهایی بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان قلعه‌گنج (بخش چاه دادخدا). تهران: آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کشور (منتشر نشده).
- هرینگ، ارنی. (۱۳۷۶). سفال اشکانی. ترجمه حمیده چوبک. تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

- Caldwell, J. R. (1967). Investigation at Tall-i Iblis. Illinois state Museum, Preliminary reports, No.9, Springfield.
- Conard, Nicolas J. Conard & Elham Ghasidian & Saman Heidari – Guran. (2013). "The paleolithic of Iran". in The oxford handbook of Iran. Oxford University Press. pp.29-48
- De Cardi, B. (1970). "Excavation at Bampur: A third millennium settlement in Persian Baluchestan 1966". Anthropological Paper of American Museum of Natural History, Vol. 51, No. 3, New York.
- Lamberg-Karlovsky, C. C. (1970). Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1969. American School of Prehistoric Research, Bulletin 27. Peabody Museum. Harvard University.
- Lamberg-Karlovsky, C. C & D. T. Potts. (2001). Excavations at Tepe Yahya, Iran, 1967-1975. The Tirth Millennium bc. Peabody Museum of Archaeology And Ethnology. Harvard University. Cambridge. Massachusetts
- Vadati nasab, Hamed. (2011). "Paleolithic Archaeology in Iran". Intl. J. Humianities, Vol. 18 (2), pp. 63-87.
- Vidale, M & F. desset. (2013). mahtoutabad I (konar sandal south, jiroft): preliminary evidence of occupation of halil roud site in the early forth millennium bc. in ancient Iran and its neighbors. edited by Cameron A petrie. oxbow books. oxford, uk. Pp.233- 251.

- آقائباتی، سیدعلی. (۱۳۸۳). زمین‌شناسی ایران. تهران: سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور.
- اسکندری نصیر، حکمت‌الله ملاصالحی، حسن فاضلی نشلی. (۱۳۹۵). «استقرارهای پیش‌از تاریخ دشت لوت، جنوب شرق ایران». در مجله مطالعات باستان‌شناسی. دوره ۸، ش ۲، ص ۱-۱۵.
- بیگلری، فریدون. (۱۳۹۱). «پژوهش‌های پارینه‌سنگی ایران از آغاز تا دهه هفتاد». در مجموعه مقالات ۸۰ سال باستان‌شناسی ایران (جلد دوم). به کوشش یوسف حسن‌زاده و سیما میری. تهران: نشر پازینه با همکاری موزه ملی ایران، ص ۷-۴۸.
- پودات، سمیه. (۱۳۸۹). بررسی یافته‌های سطحی محوطه‌های هزاره ۳ قم دهستان سردشت شهرستان بشاگرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد (MA). استاد راهنما: مرتضی حصاری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی (منتشر نشده).
- پودات، سمیه. (۱۳۹۱). گزارش تعیین حریم تپه سردشت شهرستان بشاگرد [بشاگرد]. در چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی. تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، ص ۱۰۴-۱۰۵.
- چوبک، حمیده. کیانی، محمد یوسف. (۱۳۸۳). «حوزه جغرافیایی - فرهنگی جازموریان در بررسی‌های باستان‌شناسی». در فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره ۸، ش ۴، ص ۳۱-۷۶.
- چوبک، حمیده. (۱۳۸۳). تسلسل فرهنگی جازموریان شهر قدیم جیرفت در دوره اسلامی. پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی. استاد راهنما: دکتر محمدیوسف کیانی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).
- سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح. (۱۳۸۴). فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان کرمان - شهرستان کهنوج. تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.

Preliminary Report on the First Season of Archaeological Survey and Reconnaissance in Town of Qal'eh Ganj

Mohammad Mortezaie

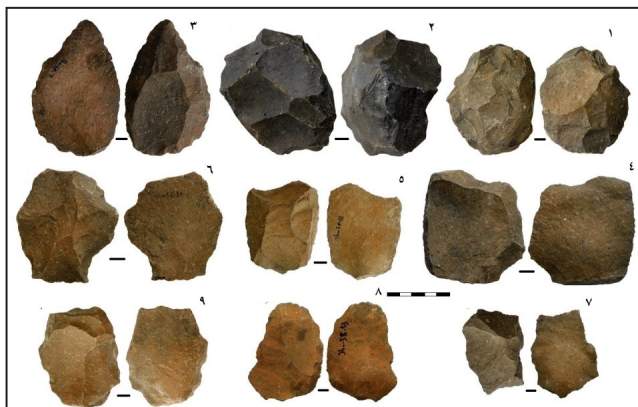
Associate Professor, Research Institute of Cultural Heritage & Tourism

Salman Anjomrouz

M.A. in Archaeology

Abstract

Chāh-e Khodādād is one of two districts of the present town of Qal'eh Ganj in the most southern place of Kerman province. It is the trijunction of three provinces of Kerman, Hormozgan and Sistan & Baluchistan. The first season of archaeological survey and reconnaissance of town of Qal'eh Ganj has been carried out as a part of the Iranian National Archaeological Map Project in which the authors tried to clarify the cultural status of the region in different periods in Chāh-e Khodādād District. In addition to the purposes as mentioned above, the present research attempts to analyse and compound the results of this research and to discern regional and trans-regional connections and interactions with the neighbouring areas. This region has a strategic situation because it lies at the trijunction of three significant cultural-geographical zones in the southeast of Iran (Mokrān shores, the Persian Gulf shores and Halīlrūd Rūd (Halīl River). Based on the survey, 66 sites and properties have been identified and registered which belong to the Paleolithic (3 cases), 5th millennium BC (2 cases), 4th millennium BC (10 cases), 3rd millennium BC (27 cases), historical period (29 cases), the Islamic period (3 cases) and the recent century (2 cases). This survey which begins with an investigation on some cases dating back to the middle of the Paleolithic is in line with other similar researches, but it is the starting point of a series of studies in the area in question as well as in the southeast of Iran. The preliminary findings prove, at least, the noticeable potentials of the area under study for further Paleolithic researches. Considering the morphology and forms of the settlements, all of the recollected sites have been divided into eight types of sites including large compound sites, historical cemeteries, ancient tepes (mounds), archaeometallurgical sites, religious buildings, fortresses, petroglyphs and ancient sites with a few numbers of cultural materials. The sites as mentioned earlier which are morphologically



Stone Tools unearthed in the Paleolithic Sites in Town of Qal'eh Ganj

influenced by the geographical factors of their places can be categorised into two different types: plain areas and foothill and mountainous areas. The analysis of the preliminary findings as well as other few investigations in the neighbouring regions in the northern heights of the Persian Gulf including the vast sites of the Bronze Age in the seasonal riversides of the sites under study, these findings can function as a bridge between basin of Jazmurian and the northern shores of the Persian Gulf.

Keywords: *Chāh-e Khodādād, archaeological survey, ancient sites, basin of Jazmurian*

ATHAR

SCIENTIFIC, TECHNICAL and ART QUARTERLY

SCIENTIFIC, TECHNICAL & QUARTERLY

No. 79,

Winter 2018

Abstracts

- **A Research on Architectural Structure of Khergheh Mausoleum in Firouzabad of Fars** 3
Hessamoddin Ahmadi, Fakhreddin Mohammadian, Khadijeh Sharif Kazemi
- **A Study on Ancient Metal Works in Meymeh of Isfahan, Based on Petrography of Metal Slags** 4
Ali A'rab, Seyyed Iraj Beheshti
- **Re-identification of Vaqfabad Qanat in Yazd, An Urban Landscape in eighth and Fourteenth Centuries Hegira** 5
Ali-Asghar Semsar Yazdi, Ameneh Karimian
- **A Summery on the Methodology of Buffer Zone for the Ancient Jey in Isfahan** 6
Leyla Zaker Ameli
- **Southern Riversides of Araxes River through the Passage of Time, A Glance on Spatial and Time Dispersion of Settlements** 7
Sepideh Maziar, Ali Zalaghi
- **A Study on Mehmandūst Tower** 8
Negar Yousefi
- **Preliminary Report on the First Season of Archaeological Survey and Reconnaissance in Town of Qal'eh Ganj** 9
Mohammad Mortezaie, Salman Anjomrouz



In the Name of God

ATHAR

SCIENTIFIC, & TECHNICAL and ART QUARTERLY

No. **79**,
Winter 2018

ISSN: 1024-2647

EISSN: 22-35-41

Owned by: The Research Institute of Cultural Heritage and Tourism (RICHT)

Managing Editor: Jalil Golshan

Editor-in-Chief: Mahnaz Ashrafi

Editorial Board:

Seyed Mohsen Habibi (Ph.D), Farhad Tehrani (Ph.D), Seyed Hosein Bahreini (Ph.D), Mohammad Rahim Sarraf (Ph.D), Mehrdad Ghayomi Bidhendi (Ph.D), Hamideh Choobak (Ph.D), Mahnaz Ashrafi (Ph.D), Ali Zamani Fard (Ph.D)

Executive Director: Mohammad Ali Mokhlesi

Deputy Editor-in-Chief: Zatollah Nikzad

Editor: Abdollah Moazenzadeh Kolour

Translation into English: Shervin Moazami Goudarzi

Type and Layout: Nourbakhsh

Circulation: 1000 Editions

Secretariat: No. 2, Prof. Rolin St., 30tir st. Imam Khomeini St.

P.O. Box: 1136913431

Website: Journal.richt.ir/athar

E-mail: atharmiras@gmail.com

Price: 120000 Rials

Reviewer of the Articles:

This Issue:

Mahnaz Ashrafi, Alireza Anisi, Ali Aadraei, Behrooz Emrani, Majid Labaf Khaniki, Fathollah Niazi, Reza Nourozi, Zatolaah Nikzad

- Quotations from the contents of *Athar* are allowed under the condition that faithful reference to the article and the journal accompanies each.

- Contents of the articles shall not, necessarily, be regarded the *Athar* board's ideas.